

چهره بین‌المللی شهید سلیمانی

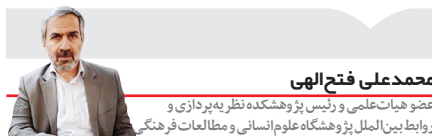


بین‌المللی و فراملی را می‌گشاید. تمدن نوین اسلامی هم باید خود را مسئول اداره همه مردم جهان بداند. تمدن نوین اسلامی، هویت بین‌المللی دارد و بدون داشتن آن نمی‌تواند صرفاً بر ظرفیت‌های ملی بنا گردد. اهمیت نگاه بین‌المللی برای تمدن نوین اسلامی به اندازه‌ای است که می‌توان گفت اگر تمدن مذکور نتواند در ساحت بین‌المللی ورود داشته و تأثیرگذار باشد، اساساً شکل نمی‌گیرد.

با این مقدمه به خوبی می‌توان جایگاه ویژه شهید سلیمانی را در جغرافیای سیاسی منطقه و عالم اسلامی درک کرد. ایشان نمونه‌ای برای آرمان بین‌المللی امام (ره) شد. او توانست به عنوان یک فرمانده برجسته نظامی و همچنین استراتژیست سیاسی و امنیتی، از علائق ملی فراتر رود و هویت بین‌الملل اسلامی را محقق نماید. او تجربه‌ای از خود به نمایش گذاشت که می‌توان از طریق پابندی کامل به آرمان‌های انقلاب اسلامی به عرصه‌های فراملی دست یافت. او نشان داد که حراست از منافع ملی با ایفای نقش بین‌الملل اسلامی تعارض ندارد و می‌توان مصالح امت اسلامی را در نظر گرفت و در عین حال از منافع ملی کوتاه نیامد.

شخصیت سلیمانی، در واقع توانایی، ظرفیت وجودی و استعداد ملت بزرگ ایران برای ایفای چنین نقش بین‌المللی و فرامرزی‌ای را نشان می‌داد. جامعه ایرانی با رشد و تکاملی که در نتیجه انقلاب اسلامی یافته؛ قادر است که علاوه بر نمایش هویت ملی، بستر نظام بین‌الملل اسلامی را هم فراهم نماید. لذا می‌توان گفت که هدف آمریکا از ترور شهید سلیمانی، تنها شهادت او و ضربه به فعالیت‌هایش نبود؛ بلکه در پی نابودی این دستاورد بزرگ انقلاب اسلامی بود. آمریکا می‌خواست ملتی را بشکند و همه هویت و شخصیت معنوی او را نابود کند. هرچند آنها با قطعه‌قطعه کردن فرزند ملت ایران، غمی سنگین برای ملت ایران رقم زدند؛ اما این غم برخلاف خواست آمریکایی‌ها، سرمایه‌ای برای زندگی معنوی و انقلابی ملت ایران خواهد بود.

شهید سلیمانی، قدیسی بود که سلوک معنوی را نه در عزت‌گزینی و دوری از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، بلکه با حضور در کوران حوادث مردافکن و مبارزات خونین با ستمگران و مستکبران طی می‌کرد و آمریکا می‌خواست تجربه وجود «قدیسی برای زمان کنونی» را از بین ببرد. کی شود که مادر روزگار، دیگر بار چنین قدیسی بار آورد اما آیا جز ملت ایران می‌توانست مثل این درانه را به جامعه بشری تقدیم کند.



مقام معظم رهبری که خود رهبری مقاومت و بیداری اسلامی را به عهده دارند؛ شهید سلیمانی را چهره بین‌المللی مقاومت اسلامی دانستند؛ مقاومتی که هویت بین‌الملل اسلامی را زمینه‌سازی و نمایان می‌سازد. او که تربیت‌یافته اسلام و مکتب امام خمینی (ره) بود، راه بین‌الملل اسلامی را -که امام راحل منادی تحقق آن بود- گشود. امام خمینی (ره) مفهوم بین‌الملل اسلامی را در مواردی از جمله اداره حرمین شریفین و امور حج مطرح کردند و بر آن بودند که چنین هویتی باید امور حج و مکه و مدینه را اداره کند، به این ترتیب که به شکل یک جامعه بین‌الملل، همه مذاهب و کشورهای اسلامی نماینده‌ای برای اداره و مدیریت بین‌الملل اسلامی حج داشته باشند. این نظر فقهی امام (ره) به این معنی است که اگر روزی سعودی‌ها بر حجاز مسلط نباشند؛ اداره مکه و مدینه را باید به عقلا نیت جهانی اسلامی و نهاد نمایانده آن یعنی بین‌الملل اسلامی واگذار کرد. متأسفانه تاکنون ساختار و نهاد مستقل و مشیر به بین‌الملل اسلامی به وجود نیامده است.

دیدگاه‌های حضرت امام (ره) در خصوص جواز اقتدای نماز اهل تشیع به تسنن در مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) حتی در شرایط غیرتقیه نیز ناشی از نگاه بین‌المللی ایشان به این مکان‌هاست. به این معنا که وقتی مکان و محیط، بین‌المللی باشد، حکم فقهی مربوط به آن هم فرق می‌کند. امام (ره) همچنین شعار اتحاد جماهیر اسلامی و ایجاد وحدت اسلامی را مطرح کردند. در وحدت اسلامی قرار نیست تکثرها به وحدت تبدیل شوند. با حفظ تکثرها و علاوه بر آنها، وحدتی علی‌حده شکل می‌گیرد. وحدت یک مفهوم سیاسی - حکومتی است و می‌تواند در سطح جهان اسلام مورد بهره‌ر قرار گیرد. وحدت اسلامی، شکل‌گیری وحدت بر پایه و بنیان‌های اسلامی است و همچنین نقدی بر نظام سلطه جهانی است که ممکن است بعضی کشورهای مسلمان - که در چارچوب سلطه جهانی عمل می‌کنند - با آن مخالفت کنند. برعکس ممکن است بعضی از کشورهای غیراسلامی که اهداف ضدسلطه را قبول داشته باشند؛ بتوانند در آن مشارکت کنند.

به طور کلی انقلاب اسلامی به دنبال فضای بالاتر از نظام ملیت و شروع دوره فراملی است و مسیر جهانی شدن و زندگی

شهید سلیمانی؛ لزوم گذر محقق از دوره تحیر



فاطمه طاهر خانی

عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از شهادت سردار محبوب ملت ایران و رفیق عزیز رهبر انقلاب، بیش از ۴۰ روز گذشت. به نظر می‌رسد نقش این شهید بر تحولات سیاست و جامعه در ایران، خاورمیانه و جهان، همچون زمان حیات وی ادامه دارد و گویی روح شهید عزیز در ماورای این عالم خاکی ناظم و موثر بر این مناسبات است.

کشف چرایی و چگونگی این نقش و تأثیر، بیش از هر چیز برعهده محققان حوزه مطالعات سیاسی و اجتماعی است. اگر «پدیده قاسم سلیمانی» موضوع شناسایی و محل تامل عالمانه و محققان علم سیاست و جامعه‌شناسی قرار نگیرد، این علوم متضرر خواهند شد زیرا فرصت غور در یک «رویداد عظیم سیاسی-اجتماعی» را از خود سلب کرده‌اند. رویدادی که همزمان با وقوع انقلاب اسلامی تولد یافته و همپای آن رشد کرده است، حضور، شهادت، تشییع و غیابش در عالم مادی به یکی از ارکان معنایی آن انقلاب، نظام سیاسی و جامعه مربوطه، مبدل شده است.

اولین گام برای ورود به حیطه تحقیق پیرامون «پدیده شهید سلیمانی» مشخص کردن نسبت فاصله محقق با مساله است. محقق از چه جایگاهی می‌تواند تلاش برای فهم این پدیده را آغاز کند؟ آیا امکان ارائه یک تحقیق بی‌طرفانه امکان‌پذیر است؟ به نظر می‌رسد در حال حاضر به دلیل «درزمانی» محقق و این پدیده منحصر به فرد، چنین ارائه‌ای امکان‌پذیر نیست. اوج‌گیری عاطفه‌گرایی و احساس دلبستگی عمیق به وجود آن سردار شهید، در زمانی که از شهادت ایشان اندکی بیشتر نگذشته است، اخذ مبانی نظری اثبات‌گرایانه، مطالعات فرهنگی، بومی‌گرایی و... را ناممکن کرده است. لذا در چنین شرایطی، ارائه یک تبیین علی و همه‌جانبه از موضوع، مهیا نیست و تحلیل‌های تنها به سمت توصیف یا واگویی‌های احساسی و ارزشیابی‌های اخلاق‌گرایانه سوق پیدا می‌کنند. لذا باید زمانی بگذرد تا امکان آن فراهم شود.

به‌رغم این محدودیت ناگزیر، گام دوم، طرح پرسش و مساله‌شناسی است. این مرحله، امکان خروج از تحیر و بهت ناشی از فراغ شهید و حوادث بعد از آن را فراهم می‌آورد. در این مرحله می‌توان این پرسش‌ها را طرح کرد:

پرسش اول) چگونه «پدیده بی‌همتای شهید سلیمانی» فاصله‌های اندیشه‌ای و سیاسی جمهوری اسلامی با مخالفانش را از بین برد و طیف وسیعی از افرادی که نسبتی با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نداشتند، اختلافات و تضادها را کنار گذاشته و برای بالاترین سردار نظام، متالم و نالان شدند؟

پرسش دوم) چگونه «پدیده بی‌همتای شهید سلیمانی» قادر به تخریب یک شبکه نهادینه‌شده ضد جمهوری اسلامی ایران شد؟ توضیح اینکه این شبکه دارای سه وجه اساسی است؛ وجه اول دارای کارکرد حقوقی-سیاسی است و رهبری‌اش برعهده ایالات متحده آمریکاست و فشارهای تحریم، قطعنامه‌های سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی را بر جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی می‌کند. وجه دوم؛ امنیتی-نظامی است و با مدیریت رژیم صهیونیستی عملیات ترور-بستی و جاسوسی در داخل و خارج از مرزهای رسمی جمهوری اسلامی را دنبال می‌کند و در نهایت وجه سوم؛ رسانه‌ای-تبلیغاتی است که سرمایه‌گذاری‌های عربستان و بریتانیا، آن را ایجاد کرده است و نامیدی، ترس و وحشت و اختلاف‌افکنی عمومی و اجتماعی در جامعه را پیگیری می‌کند.

پرسش سوم) چگونه «پدیده بی‌همتای شهید سلیمانی» جامعه اندوهگین و مضطرب ناشی از حوادث آبان‌ماه ۹۸ را چنان دگرگون ساخت که به یک‌باره قیام کرد، بغضش شکست و این بغض، پشتوانه روانی قدرتمند برای حمله موشکی استثنایی (از زمان شروع نظام دوقطبی و در ادامه ابرقدرتی ایالات متحده) به پایگاه عین‌الاسد شد؟ و در نهایت؛ پرسش چهارم) چگونه «پدیده بی‌همتای شهید سلیمانی» بسیاری از دوگانگی‌ها و شکاف‌ها را قابل‌ترمیم کرد؟ شکاف‌های توده-نخبه و شکاف‌های ارزشی درون اجتماع از جمله چالش‌هایی بود که از سوی شهید، قابل تحلیل و برطرف شدن می‌نمود. شهیدی که در ذات خود، مجموعه‌ای از حالات و مختصات روحی متضاد -که در یک انسان معمولی قابل جمع نیست- را داشت. حالاتی که ملاطفت-جدیت، چهره توأمان امنیتی-رسانه‌ای، گریز از دیده‌شدن-مردم‌دوستی از جمله آنهاست. به نظر می‌رسد، محقق نیاز دارد تا از این مرحله تحیر نسبت به حلول شکوه و عظمت این «پدیده بی‌ممتا» بگذرد تا بتواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد. پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، نیاز به فهم عالمانه پیرامون نوع مواجهه شهید سلیمانی با خداوند، جهان و انسان دارد.